

An Analytic Study of the Impact of Social Ethos on Social Development (From Imam Ali's Point of View)

Ali Ghanbari Barziyan*

Davoud Zahrani**

Abstract

Analysis of Imam Ali (PBUH)'s speeches and works shows that he as the ruler of Islamic society placed a unique emphasis on social ethos and its changes and transformations. The present article tries to answer the question of what impact social ethos has on the development or decline of Islamic and human societies from the point of view of Imam Ali (PBUH). To this aim, after theoretical provisions, the methods of historical and documentary studies and content analysis were used. The research results showed that in the method for social development in Imam Ali' (PBUH)'s government, traditions and social ethos play a central role. Social system's watching out for and monitoring of improper social ethos of hypocrisy, distrust, laziness, flattery, and extravagance were key to social development and reproduction of social capital in the reign of Imam Ali (PBUH). On the other hand, lack of proper social ethos not only brings on distrust but also destroys the possibility of cooperation, participation, and other social interactions. Lack of social participation and mutual trust, in turn, destroys the possibility of any social development, replacing it with hypocrisy, flattery, sloth, and violence in society.

Keywords: social ethos, Nahj al-Balagha, Iranians' social ethos, development.

* Faculty member of Social Sciences, Isfahan University, a.ghanbari@ltr.ui.ir

** Ph.D. of Sociology, Isfahan University (Corresponding author), damonzahrani@gmail.com

Date received: 2022/04/6, Date of acceptance: 2022/11/17



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

مطالعه و تحلیل تاثیر خلیات اجتماعی بر توسعه اجتماعی؛ (از منظر امام علی (ع))

علی قنبری برزبان*

داود زهرانی**

چکیده

زمینه و هدف: واکاوی و تحلیل خطبه‌ها و آثار امام علی (ع) نشان می‌دهد که امام در مقام حکمران جامعه اسلامی در مدیریت رفتارهای اجتماعی و تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه، تاکید بی‌ظیری بر خلیات اجتماعی و تغییرات و دگرگونی‌های آن دارد. در مقاله حاضر تلاش بر این است که به این پرسش پاسخ داده شود که از نقطه نظر امام علی (ع)، خلیات اجتماعی چه تاثیری بر توسعه و پیشرفت و در عین حال سقوط جوامع اسلامی و انسانی خواهد داشت؟ روش: برای نیل به این هدف، پس از تدارک نظری، از روش مطالعات تاریخی و اسنادی و تحلیل محتوا استفاده شده است.

یافته‌ها و نتایج: پژوهش حاضر نشان داد که در روش توسعه اجتماعی در حکمرانی امام علی (ع)، سنت‌ها و ویژگی‌های اخلاق اجتماعی جایگاه محوری دارند. مراقبت و نظارت نظام اجتماعی بر خلیات اجتماعی از جمله دورویی، بدگمانی و سوء ظن، تبلی و تملق و تجمل، کلید توسعه اجتماعی و بازتولید سرمایه اجتماعی در حکمرانی امام علی (ع) هستند. از سوی دیگر، فقدان خلیات اجتماعی علاوه بر ایجاد بی‌اعتمادی، امکان همکاری و مشارکت

* استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، a.ghanbari@ltr.ui.ir

** دانش‌آموخته جامعه‌شناسی، گرایش مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)،

damonzahrani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۶



و سایر تعاملات و کنش‌های متقابل اجتماعی را از بین می‌برد و در پی آن، فقدان مشارکت و اعتماد متقابل اجتماعی، امکان هرگونه توسعه اجتماعی را از بین می‌برد و دورویی و تملق و تن‌آسایی و خشونت جایگزین آن در جامعه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: خلیقات اجتماعی، نهج‌البلاغه، اخلاق اجتماعی ایرانیان، توسعه‌یافتگی

۱. مقدمه

هدف و رسالت همه انبیاء و عالمان و مصلحان تاریخ، استقرار و نهادینه شدن و برپایی اخلاق است. درونمایه و افق علوم انسانی جدید نیز اخلاقی زندگی کردن انسان معاصرو جامعه اخلاقی و حتی دولت اخلاقی است. به عبارتی، عالی‌ترین جلوه توسعه اجتماعی و آرمانی‌ترین صورت‌بندی پیشرف و توسعه جوامع تربیت انسان و ایجاد جامعه اخلاقی است. حضرت رسول اکرم نیر بعثت خود را کمال مکارم اخلاقی دانسته‌اند.

اخلاق اجتماعی، آن جنبه‌ای از اخلاق است که وارد اجتماع می‌شود. هر چند اخلاق فردی و اجتماعی در هم تنیده‌اند و اخلاق فردی در واقع پشتوانه محکمی برای اخلاق اجتماعی به‌شمار می‌آید، اما در اینجا بازتاب عمل فرد وارد سطحی کلان می‌شود و به زبان دینی از «حق النفس» یا فراتر نهاده و به «حق الناس» می‌رسد.

در ادبیات جامعه‌شناختی توسعه از منش ملی و خلیقات ملی بعنوان بخشی از الزامات توسعه یاد می‌کنند. این‌که گفته می‌شود جامعه‌ای نوگراست یا یک جامعه تغییرات فنی را با تاخیر جذب می‌کند (تاخر فرهنگی) مثال‌هایی از تاثیر خلیقات بر دفع یا جذب ارزش‌ها و یا فرآیند نوآوری و سایر تغییرات فنی است. کاوش و تحلیل و تبیین خلیقات در جامعه ایرانی و تاثیر پایدار اخلاقیات بر فرآیند احیای فرهنگ اسلامی و ایرانی و ساختن تمدن نوین اسلامی هم از حیث راهبردی و هم از نگاه کاربردی دارای اهمیت استراتژیک است. بویژه با پیشینه تمدنی ایرانیان و تاثیرات محیط جهانی شده امروزی این موضوع اهمیت دوچندانی دارد. از سویی مهم‌ترین ویژگی‌هایی که همواره درباره مردمان یک سرزمین شایسته تأمل و تدقیق بوده است، توجه به افکار، نگرش‌ها، روحیات و خلیقات آنان نسبت به رویدادها و پدیده‌های فردی و اجتماعی چه در بعد مادی و چه بعد معنوی می‌باشد.

هرچند موضوع اخلاق و اخلاق جمعی، اصطلاح پرکاربرد است، اما خلیقات در ادبیات علوم اجتماعی، مفهوم شناخته شده و شایعی نیست، ولی مفاهیم مرتبط با آن فراوان و البته مهم هستند؛ شخصیت ملی، منش ملی، فرهنگ سیاسی، شخصیت شایع، روح قومی، منش

بوردیویی. با نگاهی جامعه‌شناختی، تقریباً نمی‌توان رفتاری را دید که تنها در حیطه فردی باشد و بر دیگران اثری نگذارد، چه وقتی که افراد مستقیماً با دیگران کنش متقابل دارند و چه آنگاه که نتیجه رفتارشان، بصورت غیر مستقیم بر دیگران اثر می‌گذارد؛ نوعی از رفتار که ریمون بودون (۱۳۶۴) آن را نظام وابستگی متقابل می‌داند. اما می‌توان اخلاق اجتماعی را از اخلاق فردی تمیز داد و آن را تنها به حیطه‌های مرتبط دانست که آدمیان، مستقیماً در کنش با هم هستند یا نتایج اعمالشان، به فوریت (و نه در درازمدت) بر دیگران اثر می‌گذارد. فرد به هنگام تخطی از مبانی اخلاقی در سطح جامعه، نه تنها مرتکب گناه یا اشتباه می‌شود، بلکه نظم عمومی اجتماع را نیز بر هم می‌زند. تکرار این عمل توسط فرد و افراد دیگر، جامعه را دچار مساله اجتماعی خواهد کرد.

اصولاً اخلاق (moral) با خلییات (ethos) متمایز است؛ اخلاق خصلت فرد است و خلییات خصلت نظام اجتماعی است که اخلاق در آن به کار برده می‌شود لذا خلییات را می‌توان بخشی از رفتارهای نهادینه شده در جامعه دانست که به‌طور تاریخی تکرار شده و نهادینه شده است. این تعریف از خلییات مشابه «بخشی» از چیزی است که بوردیو آن را «منش» (habitus)، «عادت واره» می‌داند. البته منش در نظریه بوردیو در یک چارچوب مفهومی مشخص تعریف می‌شود که این مقاله الزاماً به آن پایبند نیست. این عادت واره خصلتی از نظام‌های پایدار است که فرد در جریان جامعه‌پذیری به دست آورده است. خصلت‌ها عبارتند از نگرش‌ها، تمایلات ادراکی، احساسات، کردارها و اندیشه‌هایی که افراد به علت شرایط عینی وجودی شان درونی کرده‌اند و از این رو، به صورت اصول ناآگاهانه کنش، ادراک و بازاندیشی عمل می‌کنند (بون‌ویتز، ۱۳۹۰: ۹۱). شخصیت ملی یا منش ملی (National Character) یا شخصیت اساسی (Basic personality) «تصور کلی از روحیات و افراد اقوام و ملت‌ها است» یعنی «عادت‌ها، خلق و خوی و طرح و بافت رفتارها و ارزش‌گذاری‌های مشترک افراد یک ملت» و «مجموعه‌ای از تمایلات شناختی، تحلیلی و احساسی است که نسبت به پدیده‌های سیاسی ابراز می‌شود.» و همچنین، «طیفی از خصلت‌ها، ویژگی‌ها، روحیات، ارزش‌ها، ایستارها و احساسات، ملت‌ها را از همدیگر متمایز می‌کند.» (سریع القلم، ۱۳۸۹: ۲۱). مفهوم «روح قومی» هگل نیز نزدیک به این مفاهیم است، البته با رویکردی فلسفی و کاملاً متفاوت با مردم‌شناسی. از دید مونتسکیو رسوم (manners) و عادات (customs)، عادات نزدیک به معنی اخلاق (وقتی ملکه باطنی می‌شود) عبارت از چیزهایی است که قانون‌وضع نکرده است یعنی نتوانسته یا نخواسته است وضع کند. فرق بین قانون و «آداب و رسوم» این است که قانون برای

افرادیک ملت وضع می‌شود ولی رسوم و آداب مربوط به افراد بشر است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۵۸۰).

در یک شمایل کلی تعاریفی که از توسعه‌ی اجتماعی ارایه شده‌اند را می‌توان به دو دسته تعاریف عام و تعاریف خاص اشاره نمود (فاضلی، ۹۲: ۱۶۱). در ذیل تعاریف عام به‌عنوان مثال می‌توان به گری جاکبز (Garry Jacobs) و هارلن کولند (Harlan Cleveland) اشاره کرد که معتقدند: «توسعه اجتماعی فرایندی است که فعالیت‌ها و انرژی‌های بشر را در سطوح بالا برای رسیدن به نتایج بهتر سازماندهی و از توان او استفاده می‌کند» (جاکبز و دیگران، ۱۳۸۷). از طرفی دیگر، در تعریف خاص از توسعه، معمولاً بر یک یا چند مشخصه و بعد خاص از توسعه اجتماعی تمرکز می‌شود. برای مثال برخی تأکید بر آزادی و یا رفاه (استس، ۲۰۰۱، در: فیروزآبادی ۱۳۸۹) می‌کنند و یا برخی بر سرمایه‌ی اجتماعی تأکید می‌کنند (استینگلیتز، ۲۰۰۲). با این تقسیم‌بندی، ارتباط مابین توسعه اجتماعی و اخلاق را می‌توان نزدیک به سنخ دوم در نظر گرفت؛ در واقع توسعه‌ی اجتماعی فارغ از در نظر گرفتن اخلاق و یا رسیدن به توسعه‌ی اجتماعی بدون در نظر گرفتن ابعاد اخلاقی و اخلاق اجتماعی ناممکن دانست (ویلبر و هوکسبرگن، ۱۹۹۶). بنابراین با کنکاش در خلیقات اجتماعی یک جامعه، مسیر توسعه را بهتر می‌توان ترسیم نمود. چراکه بسیاری از موارد اخلاقی، خود موانع بزرگ در روند توسعه‌یافتگی جامعه به حساب می‌آید.

کاوش، تحلیل و تبیین خلیقات در جامعه ایرانی و تاثیر پایدار اخلاقیات بر فرآیند احیای فرهنگ اسلامی و ایرانیو بر ساختن تمدن نوین اسلامی هم از حیث راهبردی و هم از نگاه کاربردی دارای اهمیت مضاعفی است. به‌ویژه با پیشینه تمدنی ایرانیان و تاثیرات محیط جهانی شده امروزی، این موضوع اهمیت دوچندانی دارد. از سویی مهم‌ترین ویژگی‌هایی که همواره درباره مردمان یک سرزمین شایسته‌ی تأمل و تدقیق بوده است، توجه به افکار، نگرش‌ها، روحیات و خلیقات آنان نسبت به رویدادها و پدیده‌های فردی و اجتماعی، چه در بعد مادی و چه بعد معنوی می‌باشد. هر فرد مادام در مواجهه با پیش‌آمدهای زندگی، با عنایت به بینش اعتقادی خویش و طرز تفکر غالب در بین مردمان جامعه خود، به فکر کنش یا واکنش است. خلیقات مردم یکی از نموده‌های تأسی از آن اعتقادات و باورهاست. از جمله وظایف متفکرین تاریخ اجتماعی، بررسی و کنکاش در خلیقات مردمان یک جامعه است؛ چرا که آنان بدو از زاویه‌ای توصیفی و غیر ارزشی به آن خلیقات پرداخته و بعداً در صدد تبیین آن بر می‌آیند. شاید فهم پاره‌ای از خلیقات منفی موجود در هر اجتماعی از درون آن میسر نباشد. با شناخت صحیح خلیقات منفی از یک سو می‌توان

به علل و منابع آن پی برد و از سوی دیگر امکان اصلاح آن دست خواهد داد. پیامبر اعظم (ص) نیز هدف رسالت خود را تکامل بخشیدن به اخلاق تعبیر فرمودند. پیامبر خدا با اخلاق برتر خویش، به بالاترین درجه از درجه های تکامل انسانی رسید تا جایی که خداوند ایشان را چنین توصیف نمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ / تو دارای خوی سترگ (یعنی صفات پسندیده و افعال حمیده) هستی (القلم: آیه ۴).

در این مقاله از شیوه مطالعات اسنادی و تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. مطالعات اسنادی در ذیل مطالعات کیفی قرار می‌گیرد (زهرانی و همکاران، ۱۴۰۰) و این پژوهش به‌طور ویژه به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است و با تحلیل محتوای خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه تلاش شده است تاثیر ویژگی های اخلاق اجتماعی جوامع اسلامی (تملق، تنبلی، دورویی و نفاق و تن‌پروری و قانون‌گریزی و اطاعت‌پذیری و افراط و تفریط) در توسعه و سعادت و همچنین در افول و سقوط جوامع مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و به این سوال پاسخ داده شود که خلیات اجتماعی از دید امام علی (ع) چه تاثیری بر توسعه و پیشرفت و یا سقوط جوامع اسلامی و انسانی دارد؟

۲. ادبیات پژوهش

۱.۲ مروری بر اخلاق اجتماعی ایرانیان در تحقیقات تاریخی و جدیدتر

در منابع زیر برخی از منش ملی ایرانیان و خصایص و ویژگی‌های شخصیتی که در توسعه لازمند اشاره شده است:

در: بار، ۲۰۰۳؛ موریه، ۱۳۸۰؛ بنوعزیزی ۱۹۹۷؛ کورفیرست ۲۰۰۱؛ پولاک، ۱۳۶۱؛ اسکیولینو ۲۰۰۱ و در: چلبی، ۱۳۸۱؛ قاضی مرادی، ۱۳۷۸؛ بازرگان، ۱۳۵۷، حاجیانی ۱۳۸۴، و جمالزاده، ۱۳۴۵، انصاف‌پور، ۱۳۶۳ و فلاحی، ۱۳۹۰ و غفاری، ۱۳۹۲ روحیات، فرهنگ و رفتار مردم ایران مورد بررسی قرار گرفته شده است و در همه این تحقیقات خصوصیت اخلاقی تنبلی اجتماعی را مشاهده می‌کنیم که به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، بسیاری از ویژگی‌های نامطلوب ما بر روی آن سوار شده است و در فرهنگ و خصلت جمعی ما بسیار ریشه دارد. موریه که شش سال در دوران فتح‌علی شاه سمت منشی‌گری سفارت انگلیس در ایران را برعهده داشت ایرانیان را دارای خصایصی شامل (۱) تقدس‌فروشی برای رونق کسب و کار، (۲) مسئول (قابل اعتماد و قابل اتکا)، ترسو بودن و وانمود کردن به شجاعت و مردانگی،

خویش‌تنداری (مهار خود) و مقاومت در برابر وسوسه، پول‌دوستی و استفاده از کلاه شرعی برای نیل به مادیات، صلح در دنیا (فقدان جنگ و درگیری) صادق و صمیمی، تملق و چاپلوسی شعرا، توانا (با کفایت و مؤثر و کارآمد) توصیف کرده‌اند همچنین ایرانی از نگاه ایرانی: خلق و خوی ایرانی از نگاه سیاحان (جوانبخت، ۱۳۷۹)، نظری و گذری بر زخم‌های فرهنگی ما ایرانیان (ارجائی، ۱۳۸۷)، اخلاق و سرشت ایرانیان (ابونیا عمران، ۱۳۸۸)، و آسیب‌شناسی فرهنگی ایران در دوره قاجار (کوثری، ۱۳۷۹)، از مهمترین منابعی هستند که اخلاقیات اجتماعی ایرانیان را بررسی نموده‌اند.

اخلاقیات اجتماعی ایرانیان مورد توجه مورخین و مستشرقین زیادی هم بوده است. از نگاه ماکیاوولیدر جامعه ایرانی، «همه سرسپرده» شهریار هستند. (ماکیاواللی، ۱۳۸۸: ۷۲-۷۴) هگل (هگل، ۱۳۹۰: ۶۶؛ آندرسون، ۱۳۹۰: ۶۵۹) و دیوید هیوم (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۳)، آدام اسمیت و جیمز میل بر «الگوی آسیایی حکومت» و تمایز آن با فئودالیسم اروپایی و استبداد شرقی سخن گفته‌اند (ویتفوگل، ۱۳۹۱: ۵۷۲) و ایده «استبداد شرقی»، مارکس «شیوه تولید آسیایی»، «فقدان مالکیت خصوصی زمین»، «بوروکراسی گسترده» در مشرق زمین، «جامعه پراکنده» و «استبداد دیوانی»، توصیف‌ها و تبیین‌های مارکس و انگلس از وضعیت جامعه ایرانی است (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۴-۱۱). در همه این موارد بر تاثیر مخرب و ویرانگر این صفات اخلاقی در عقب ماندگی و انحطاط و یا سقوط تمدن و دولت‌های ایرانی تاکید شده است.

همانطور که می‌دانیم، اخلاق اجتماعی وابسته به دوره‌ها و بسترهای زمانی و در هم‌پیوندی (Assemblage) با بسیاری عوامل دیگر، از جمله فن‌آوری (قانعی راد، ۸۸)، شبکه‌های اجتماعی (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۸، قنبری و زهرانی، ۱۴۰۰)، مباحث و مسایل اقتصادی، سیاسی، و بسیاری عوامل دیگر دستخوش تغییراتی شده است. به گونه‌ای که شرایط حال حاضر اخلاق اجتماعی را برخی بر پایه‌ی نگاه دورکیمی دارای وضعیت بحرانی و آنومی می‌بینند (بیات و همکاران، ۱۳۹۹) و فروپاشی‌های عناصر اخلاقی از جمله فردگرایی خودخواهانه و منفعت‌طلبی از ویژگی‌های اخلاقی در جامعه‌ی ایران به خصوص کلان شهرها است (همان). این معضلات و مشکلات اخلاقی نه تنها خود از جنبه‌ای برساخته‌ی توسعه‌ی نامتوازن و مواجهه با تکنولوژی و فن‌آوری است، بلکه خود می‌تواند در روند توسعه‌ی پایدار و متوازن در جامعه تاخیر و خلل جدی ایجاد کند و عوامل یگانه‌ساز در مقابل عوامل بیگانه‌ساز در نظام اخلاقی جامعه بایستی مورد توجه در خروج ازین بحران در نظر گرفته شود (همان).

پژوهش‌های خوبی نیز در زمینه جایگاه اخلاق و ابعاد اخلاقی در نهج البلاغه انجام شده است که می‌توان به زمانی (۱۴۰۰) اشاره کرد که در این پژوهش به تبیین امکان "ضعف اراده" یا آکراسیا می‌پردازد و از منظر امام علی راهکارهایی برای غلبه بر آن را مورد توجه قرار می‌دهد از جمله، عزم، همت، اراده و تلاش در زمینه‌سازی برای تصمیم‌گیری درست را ذکر می‌کند. همچنین در پژوهشی دیگر، رفعت (۱۴۰۰) به رهبری اخلاق‌مداران‌ای که امام در جنگ جمل در پیش گرفته‌اند و از نهج‌البلاغه آن را استخراج نموده است، می‌توان اشاره کرد. در این مقاله به رفتارهای امام علی (ع) که برای تشنج‌زدایی و حفظ کرامت انسانی و پاسداشت حقوق انسان‌ها داشته‌اند به عنوان مبانی رفتار اخلاق‌مداران‌ای امام پرداخته شده است.

۲.۲ مبانی نظری

در ادبیات علوم اجتماعی نظریه‌های متعددی وجود دارد که بر تاثیر اخلاقیات بر توسعه انسانی و رشد اقتصادی جوامع تاکید داشته‌اند. مهم‌ترین این نظریه‌ها عبارتند از:

۱- ماکس وبر (Max Weber) در نظریه اخلاق پروتستانیسم و روح سرمایه‌داری به تاثیر اخلاق اجتماعی و دینی پروتستان‌ها در توسعه جوامع غربی اشاره می‌کند. از نگاه وی، کار و قناعت و دانش مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاق اجتماعی پروتستان‌ها هستند که به پیشرفت آنها منجر شد.

در چارچوب نظریه انتخاب عقلانی، می‌توان برای تبلی دو حالت در نظر گرفت: «تبلی فردی» و «تبلی اجتماعی». «تبلی فردی» حالتی است که فرد میان دو انتخاب منخیر می‌شود، یکی لذت آنی و دیگری نفعی شخصی در آینده که برای کسب آن نفع، باید از این لذت گذشت. انتخاب کردن و نیز علم به زیان‌آور بودن انتخاب لذت فعلی و سودمند بودن نفع آینده ابعاد مهم تبلی هستند (جوادی یگانه، ۱۳۸۹: ۱۳). انتخاب در اینجا به معنای آن است که یک کنشگر عاقل، بصورت نسبی از مزایا و معایب هر دو گزینه آگاه است، یعنی می‌داند که الان چه می‌کند و می‌داند که انتخاب لذت آنی در زمان حال، چه زبانی برای فرد در آینده دارد، و با علم به این دو گزینه، «انتخاب» می‌کند. البته در بسیاری موارد، رفتار و انتخاب فرد از نظر ناظر بیرونی، مصداق تبلی است، اما فرد رفتار خود را تبلی نمی‌داند، یا آنچنان که باید، از عواقب رفتار خود آگاه نیست. در این صورت، باید با تربیت یا حتی اجبار وی را به سمت گزینه درست رهنمون شد.

نظریه پنهانکار زرننگ که توسط ویلیام بی‌من (William O. Beeman)، مردم‌شناس و زبان‌شناس آمریکایی که در سال‌های دهه هفتاد میلادی، بر اساس یک تحقیق میدانی در شیراز ارایه شده است ویژگی‌های بنیادی فرهنگ ایرانیان را که در تمشیت تعاملات روزمره به ویژه در عرصه تبادلات زبانی کارکرد موثری دارند، مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. بر اساس این نظریه الگوی بنیادی روابط اجتماعی ایرانیان را به دو قطب در سه عرصه تقسیم‌بندی می‌کند (بی‌من، ۱۳۸۱: ۱۵۵):

قطب الف	قطب ب
اخلاق اجتماعی	حاکمیت شبکه/برابر
اخلاق فردی	کم‌رویی (بیان محدود و کنترل‌شده)
عرصه کشش	ظاهر/بیرونی
	حاکمیت گروه/برابر
	پررویی (بیان آزادانه)
	باطن/اندرونی

دو حوزه از تقابل فرهنگی نمادین در زندگی ایرانیان نقش اساسی ایفا می‌کند؛ حوزه اول تقابل میان درون و بیرون است و حوزه دوم تقابل میان سلسله مراتب و برابری است. (همان: ۳۴) ظاهر، عرصه تباهی و جاذبه‌های دنیوی است، با این همه حائلی است برای دنیای ظریف و حساس باطن. بنابراین شخص ممکن است برای ظاهر ارزشی قائل نشود، اما در عین حال باید بداند چگونه در ظاهر رفتار کند.

او روابط برابری (دوره و پارتی بازی) و روابط نابرابری (سلسله مراتب و تعارف)، فقدان اعتماد، دیوانگی، بی ادبی و برخی جنبه‌های دیگر را در روابط اجتماعی ایرانیان بررسی می‌کند. خویشاوندگرایی یکی دیگر از نظریه‌های عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی جامعه ایران است. خویشاوندگرایی در برابر شایسته‌سالاری، فردگرایی منفی، بی‌اعتمادی، نهادگرایی، فقدان اجماع‌نظر، هزارفامیلی، بی‌قانونی، ناامنی، و بحران هویت ملی را از صفات و اخلاق ایرانیان دانسته شده است.

هر چقدر «ما» عام یا «اجتماع عام» که مبتنی بر وفاق اجتماعی تعمیم یافته است، ضعیف‌تر گردد و «ما»های کوچکتری مثل خانواده، گروه‌های اولیه دوستی و قومی، قوی‌تر شوند، اخلاق اجتماعی تضعیف می‌شود. در نظم وفاقی، نظارت اجتماعی بیشتر بر اساس خجالت و تقصیر است تا احساس بیم و ترس. زیرا که در چنین نظامی سلوک منش افراد بر اساس تعهد درونی و تمایل به خودتنظیمی صورت می‌گیرد. با این حساب هرگاه وفاق اجتماعی عام و تعمیم یافته وجود داشته باشد احتمال انحراف از قواعد اجتماعی

کاهش می‌یابد. در چنین نظمی، امکان بروز فساد اخلاقی، سیاسی، اداری و غیره مانند ریاکاری، پارتی بازی، قوم و خویش بازی، کم کاری، رشوه خواری و اختلاس کاهش می‌یابد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۱).

در نظریه شخصیت رفاقتی بر رفتار افراط و تفریط ایرانیان در مواجهه با زندگی روزمره و جریان‌های اجتماعی و فرهنگی تاکید شده است. بر اساس این دیدگاه جامعه ایرانی در پویای فرهنگ و تاریخی خود در اغلب زمان‌ها نتوانسته است با اعتدال و منطقی رفتار نماید و از این‌رو در دوره‌های زمانی مختلف افراط‌گرایی و به تبع آن خشونت و استبداد و قانون‌گریزی و تملق و... باز تولید می‌شده است. در نظریه شخصیت رفاقتی، «شخصیت اخلاقی ما ایرانیان» را به عنوان علت عقب ماندگی و توسعه نیافتگی ایران دانسته است. مطابق این نظریه اخلاق ایرانیان شامل صفاتی مثل محبت، آبرودوست و مهمان‌نواز؛ عزت نفس یا فیس و افاده؛ گاهی به من چه و به تو چه، گاهی دایه مهربان‌تر از مادر؛ تجسس و دخالت در کار همه؛ علامه دهر، احترام به شئون؛ اصل و نسب؛ استهزا، غیبت، بدگمانی؛ عجله، بی بند و باری، سمبل کاری؛ فرار از نظم و برنامه؛ رشوه و ارتشاء؛ لجبازی و انتقام‌جویی؛ متجاوز، ترسو، دروغ‌گویی؛ عدم اطاعت و یاغیگری (محدثی گیلوایی، ۱۳۸۶: ۵۶).

در نظریه شخصیت رفاقتی با استفاده از تئوری‌های مبنی بر وجود سه حالت والدینی، کودکی و بالغی شخصیت در افراد از نظر روانی سالم و با استفاده از تئوری پیاز مبنی بر ضعیف ماندن و یا بکلی حذف شدن

در "شخصیت رفاقتی" اریک برن (Eric Berne) که در نظریه‌اش آن را به کار می‌برد، سه حالت والدینی، کودکی و بالغی شخصیت را ذکر می‌کند. و می‌توان ادعا کرد که حالت بالغی در شخصیت ما ایرانیان از دوران کودکی آسیب دیده است و یا حتی به کلی در ما از بین رفته است و به جای آن برخی حال‌های بسیار قوی دیگر از جمله والدینی و کودکی و رفاقتی جای آن نشسته‌اند و ما با این شخصیت وارد اجتماع می‌شویم (ایزدی، ۱۳۸۳: ۳).

فولر (G.E. Fuller) (۱۳۷۳) مهمترین عناصر این فرهنگ ایرانی را روحیه افراطی می‌داند و اذعان می‌کند:

فرهنگ ایرانی فرهنگی است که تقریباً در کلیه وجوه خود تسلیم افراط است. تملق و مدهانه، نخوت فرهنگی و قومی، حاکمیت مطلق پادشاهان پنهانکاری، چاپلوسی، ارضاء تمنیات دیگران، بله‌قربان‌گویی، نیرنگ و خیانت، به فنون عمده بقاء در دربار ایران تبدیل می‌شود و بی‌اعتمادی به خط نخستین دفاع تبدیل می‌شود (فولر ۱۳۷۳: ۳۲).

راه بقا همان است که بی‌من «پنهانکار زرنگ» و «غیرقابل پیش‌بینی بودن» از نتایج افراط‌گرایی ایرانیان است. بر اساس این نظریه اخلاق ایرانیان شامی صفاتی مثل محبت، آبرو دوست و مهمان‌نواز؛ عزت نفس یا فیس و افاده؛ گاهی به من چه و به تو چه، تجسس و دخالت در کار همه؛ علامه دهر، احترام به شئون؛ اصل و نسب؛ استهزا، غیبت، بدگمانی، بی‌اعتمادی، دروغ‌گویی، اهل تعارف و اغراق، قانون‌گریز و اهل تملق می‌باشد (همان).

۳. یافته‌ها

۱.۳. خلیات اجتماعی در کلام امام علی

تحلیل محتوای نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که در سخنان حضرت، توجه بسیار عمیق و موکدی بر اهتمام حاکمیت اسلامی و شهروندانش بر مبانی و اصول اخلاق اجتماعی شده است و در تبیین و تحلیل مسایل تغییرات اجتماعی بر روی اخلاق اجتماعی توجه و اصرار و افری دارد. در این مقاله تلاش شده است که مهم‌ترین و تاثیرگذارترین خلیات اجتماعی از منظر ایشان مورد بررسی قرار گیرد:

- تنبلی اجتماعی و تن پروری:

امام علی (ع) در رفتار عملی خود نیز نشان داده است که در کارکردن و اراده برای انجام کاری داشتن در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی و فرهنگی و دینی و سیاسی، شهروند بی‌نظیری است. البته تنبلی اجتماعی فقط دلالت بر انجام کار ندارد، بلکه اراده ورزیدن و اراده داشتن در مسئولیت‌های اجتماعی و انسانی و دینی هم مد نظر ایشان است. تنبلی اجتماعی سبب سلب اراده از کنشگران اجتماعی می‌شود و آن‌ها را به افرادی بی‌تفاوت تبدیل می‌کند.

مثال‌هایی از حضرت در مورد دوری جامعه اسلامی از تنبلی اجتماعی و تن پروری عبارتند از:

حضرت امام علی (ع) در خطبه (۱۸۳) فرمودند: از جسم خود بگیرد و از آن به جان خود ببخشد و در بخشیدن از سهم جسم به جان، بخل نوزید (خطبه/۱۸۳).

مطالعه و تحلیل تاثیر خلیقات اجتماعی ... (علی قنبری برزیان و داود زهرانی) ۲۶۱

سختی و رنج عبادات، روزه و جهاد را برای جسم خود فراهم کنید و جان‌تان را با خیر و خوبی به مقام قرب الهی برسانید (رک: ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۱۲۵؛ ابن میثم، ۱۳۶۲: ۴۰۶؛ موسوی، ۱۳۷۶: ۲۰۸).

همچنین در حکمت ۲۳۹ آمده است: - هرکس سستی و تن‌پروری کند، حقوق را پایمال کند (حکمت/۲۳۹).

یا در خطبه ۲۹ فرمودند - حق جز با تلاش و کوشش بدست می‌آید (خطبه/۲۹).

انسان جز با تلاش، فداکاری و هزینه کردن از مال و جانش به حق خود دست نمی‌یابد (رک: ابن میثم، ۱۳۶۲: ۲ / ۵۱؛ موسوی، ۱۳۷۶: ۱ / ۲۴۵).

- تملق و چاپلوسی:

در مبانی نظری هم ذکر شد که تملق و مداهنه سبب استبدادپروری و فرار از پاسخگویی و قانون‌گریزی و مقدمه‌ای برای مفساد اجتماعی دیگر می‌شود. از سویی تملق و مداهنه موجب تکوین شخصیتی ضعیف، مطیع و بدون ابتکار و خلاقیتی می‌شود و روح مشارکت واقعی را نابود می‌کند. تملق و مداهنه می‌تواند مدیریت و حکمران جامعه اسلامی را از فهم و شنیدن واقعیت‌های جامعه دور کند و فهم نادرستی از شرایط جامعه برای او فراهم کند. از این رو، در سیره حکمرانی ایشان به شدت از تملق و تملق‌بیزار تنفر دیده می‌شود و دایما از پیروان و شیعیان خود می‌خواهد که از ایشان سوال پرسید و مطالبه کنید و نقد کنید. مداهنه به‌زعم امام علی (ع) سبب می‌شود که حکمران اسلامی و شهروندان از عهده وظایفی که نسبت به خدا و همدیگر دارند، برنیایند.

چاپلوسی، حالتی از ناتوانی و عجز و نوعی اسارت شخصیت انسان است که برابر دیگر آدمیان برای جلب منافع و کسب امتیازهای مادی صورت می‌گیرد. تعریف و تمجید بیش از حد و نیز ستایش افرادی که شایستگی آن‌را ندارند و یا حداقل در این حد نیستند، تملق‌گویی است.

امام علی (ع) در این رابطه در خطبه ۲۱۶ فرمودند - خوش ندارم در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم و خواهان شنیدن آن می‌باشم. سپاس خدا را که چنین نبودم... گاهی مردم، ستودن افرادی را هنگام گرفتاری و سختی روا می‌دانند، اما من از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبای خود مستایید، تا از عهده وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم برآیم، و حقوقی که مانده است بپردازم (خطبه/۲۱۶).

ستایش بی اندازه سبب خود پسندی می‌شود و انسان را به سرکشی و می‌دارد (نامه/۵۳).

امام علی(ع) در این نامه که خطاب به مالک می‌باشد، به ایشان توصیه می‌کند که:

مردم را طوری تربیت کن که بیهوده از تو ستایش نکنند و تو را نسبت به اعمالی که انجام نداده‌ای تمجید نمایند، زیرا کثرت مدح و ثناء خود پسندی و عجب به بار می‌آورد و انسان را به تکبر و غرور نزدیک می‌سازد (مکارم، ۱۳۷۵: ۱/ ۵۹۹).

امام علی(ع) در تبیین حد ستایش می‌گوید: «ستودن بیش از آنچه که سزاوار است، نوعی چاپلوسی و کمتر از آن، در ماندگی یا حسادت است» (حکمت /۳۴۷)

از آن‌جا که فرد متملق، در خود احساس بی‌ارزشی می‌کند، برای جلب توجه، به چاپلوسی دیگران پناه می‌آورد. چنین شخصی به برخی افراد این فرصت را می‌دهد که از تملق و ستایش دیگران لذت ببرند و در مقابل، آنان را به رنج از عقده حقارت نیز می‌اندازد. بدین ترتیب، با دامن زدن به این تملق‌ها، خود نیز احساس رضایت می‌کند و در عین حال در خود کم‌بینی زیانباری به سر می‌برد. تملق پیامدهای اجتماعی غیر قابل‌جبرانی در پی دارد و فساد اجتماعی را آسان می‌کند.

- نفاق و دورویی:

نفاق و دورویی از صفاتی است که از دید امام علی(ع) سبب می‌شود ارزشها و هنجارها در جامعه ضداً رشد و هنجارگردد و نظم اجتماعی وارونه جلوه نماید و اعتماد بین مردم و حاکمیت از بین می‌رود و مردم در تشخیص حق و باطل و درست و نادرست راه خطا بروند و در نهایت به از بین رفتن همبستگی و انسجام اجتماعی و وحدت جامعه دارد. ایشان بارها از نفاق و دورویی به عنوان مهمترین علت شکستها و ناکامی‌های جامعه اسلامی یاد کرده اند.

حضرت امام علی(ع) در این رابطه در خطبه ۱۷۶ و ۱۹۴ فرمودند:

مبادا در امر دین دورویی بورزید، که همبستگی و وحدت در راه حق - گرچه کراهت داشته باشید - از تفرقه در راه باطل - گرچه مورد علاقه شما باشد - بهتر است، زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه به آیندگان، چیزی را با تفرقه عطا فرموده است (خطبه/۱۷۶).

امام علی (ع) در ترسیم سیمای منافقان و پیامدهای اجتماعی حضور آنان در میان مردم می‌گویند:

ای بندگان خدا... شما را از منافقان برحذر می‌دارم، زیرا آنها گمراه و گمراه کننده اند، خطاکارند و به خطاکاری تشویق می‌کنند، به رنگ‌های گوناگون ظاهر می‌شوند، از ترفندهای مختلف استفاده می‌کنند. وصفشان دارو و گفتارشان درمان، اما کردارشان دردی است بی‌درمان، بر رفاه و آسایش مردم حسد می‌ورزند، و بر بلاء و گرفتاری مردم می‌افزایند، و امیدواران را ناامید می‌کنند. آنها یاوران شیطان و زبانه‌های آتش جهنم می‌باشند (خطبه/ ۱۹۴).

همچنین در حکمت (۲۷۶) فرمودند:

خدایا به تو پناه می‌برم که ظاهر من در برابر دیده‌ها نیکو، و درونم در آنچه که از تو پنهان می‌دارم، زشت باشد، و بخواهم با اعمال و رفتاری که تو از آن آگاهی، توجّه مردم را به خود جلب نمایم و چهره ظاهرم را زیبا نشان داده، با اعمال نادرستی که درونم را زشت کرده به سوی تو آیم، تا به بندگان نزدیک و از خشنودی تو دور گردم (حکمت/ ۲۷۶).

امام علی (ع) ملاقات و دیدار مردم را با دو چهره و دو زبان متفاوت را از جمله صفات ناپسند می‌داند که موجب خشم و کین پروردگار می‌شود (خطبه/ ۱۵۳)

- اسراف و تجمل گرایی:

تجمل از دیدگاه قرآن و حدیث یکی از مظاهر بی‌عدالتی و نابرابری که قرآن و پیامبر و سایر ائمه روی آن تکیه نموده، و به مبارزه با آن پرداخته اند، اسراف‌گری و تجمل‌گرایی است. در قرآن کریم به کرات در خصوص ثروت اندوزی یا کنز، تفاخر، تکاثر، ربا و اسراف سخن به میان آمده است. در قرآن روی برابری همه اقشار و ایجاد امت واحده و رفع هر گونه علائم و سمبل‌هایی که باعث ایجاد شکاف طبقاتی است، تاکید خاصی شده است. احساس بی‌عدالتی، مصرف زدگی، روحیه رقابت منفی، ازبین رفتن سرمایه‌ها و عدم شکل‌گیری انباشت سرمایه برای توسعه، گسترش تدریجی فساد اجتماعی و اخلاقی و پیدایش سبک‌های مصرفی و تولد انسان همه چیز خواره و تکثر و تنوع طلب، لذت پرستی و آسیب‌های اجتماعی دیگر می‌شود.

دو مقوله مصرف‌زدگی و اشرافیت در جامعه اسلامی در حکمرانی امام علی(ع)، بسیار مورد توجه خاص بوده است و با اصحاب و منصوبان خود در این زمینه بسیار سختگیر بود. از نگاه امام علی(ع) یکی از دلایل محوری شورش جامعه اسلامی بر علیه عثمان مصرف‌زدگی و اشرافیت او بود.

در خطبه (۱۹۲) نهج‌البلاغه که یکی از خطبه‌های خیلی طولانی حضرت هم هست، بارها بر اثرات مخرب اشرافیت و تجمل‌گرایی بر روابط اجتماعی تاکید و بر اعتدال در امور تاکید شده است (خطبه/۱۹۲).

امام علی(ع) ضمن سفارش به پرهیز از اسراف، به رعایت میانه‌روی و اعتدال در هزینه کردن توصیه می‌نماید (نامه/۲۱) و به عدم زیادروی در بخشش و همچنین عدم سخت‌گیری در حساب و هزینه‌های زندگی سفارش می‌کنند (حکمت/۳۳).

امام علی(ع) همواره کارگزاران و فرمانروایان خود را به ساده زیستی و عدم تجمل‌گرایی دعوت می‌کرد از این رو وقتی که شریح بن حارث قاضی که از سوی امام(ع) عهده‌دار منصب قضاوت بود، خانه‌ای را با هشتاد دینار خریداری کرد، امام علی(ع) او را مورد مؤاخذه و توبیخ قرار داد (نامه/۳).

- بدگمانی و سوء ظن:

بدگمانی و سوء ظن سبب می‌شود اعتماد یعنی سنگ بنای روابط اجتماعی از بین برود و امکان شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و ایجاد هر گونه رابطه اجتماعی سالم و مستمر از بین برود. از سویی این ویژگی در همه سطوح خرد و کلان جامعه دارای تبعات و آثاری است که بی‌عدالتی و بی‌انصافی نسبت به دیگران، بدبینی و عدم تمایل به مشارکت در امر خیر و در امور اجتماعی و عدم توانایی در اتخاذ تصمیمات درست و عاقلانه از مهمترین این تبعات است. از این رو در نامه‌ها و حکمت‌ها و احادیث دیگر امام علی(ع) بسیار مورد تذکر و تاکید واقع شده است.

امام علی(ع) در اجتناب از بدبینی و سوء ظن می‌گویند: «به سخنی که از دهان کسی خارج می‌شود، شایسته نیست که بدگمان باشی آنگاه که برای آن سخن احتمال برداشت نیکویی می‌توان داشت» (حکمت/۳۶۰)

امام علی(ع) در مورد تأثیر شرایط اجتماعی بر خوش بینی و بد بینی مردم می‌گویند:

مطالعه و تحلیل تاثیر خلیقات اجتماعی ... (علی قنبری برزیان و داود زهرانی) ۲۶۵

هرگاه صلاح و نیکی بر روزگار و مردم آن غالب آید، اگر کسی به دیگری گمان بد برد، درحالی که از او عمل زشتی آشکار نشده، ستمکار است، و اگر بدی بر زمانه و مردم آن غالب شود، و کسی به دیگری خوش گمان باشد، در حقیقت خود را فریب داده است (حکمت/۱۱۴).

امام علی(ع) در نامه‌اش به مالک اشتر، خوش رفتاری و احسان در حق مردم، کاستن بار مالیات و نیز مجبور نکردن مردم به کاری که ناخوشایند می‌دانند را از عوامل بدست آوردن خوشبینی و حسن ظن مردم می‌دانند (نامه/۵۳).

امام علی(ع) یکی از عوامل ایجاد کننده سوء ظن را در این می‌دانند که انسان خود را در موضع اتهام قرار دهد از این رو سفارش می‌کنند که هرکس خود را در جایگاه تهمت قرار دهد نباید کسی را که به او بد گمان شده است، سرزنش نماید (حکمت/۱۵۹).

- حسادت و دروغ:

امام علی(ع) حسادت ورزیدن را موجب سلامتی و تندرستی می‌دانند (حکمت/۲۵۶) همچنین امام علی(ع) حسادت ورزیدن به دوست را ناشی از عدم صداقت در دوستی و مودت می‌داند که موجب خلل در روابط دوستانه افراد می‌شود (موسوی، ۱۳۷۶: ۵).

امام علی(ع) حسادت ورزیدن به فضل و نعمت خداوند را نوعی ناسپاسی و کفران نعمت می‌دانند، از این رو مردم را از حسادت ورزیدن به دیگران را نهی می‌کنند (ابن میثم، ۱۳۶۲: ۴؛ موسوی، ۱۳۷۶: ۳).

امام علی(ع) حسادت را سبب از بین رفتن ایمان می‌دانند که همچون آتش، ایمان را می‌سوزاند همچنان که آتش، هیزم را می‌سوزاند (خطبه/۸۶).

امام علی(ع) راستگویی را سبب نجات و بزرگواری و دروغ‌گویی را موجب هلاکت و خواری می‌دانند (خطبه/۸۶).

امام علی(ع) دروغ را بدترین سخن بحساب می‌آورند (خطبه/۸۴) و اهل افترا و دروغ را زیان دیده می‌دانند (خطبه/۱۶).

در نگاه امام علی(ع) خداوند به این دلیل ترک دروغ را بر مردم واجب دانسته تا شرافت و حرمت راستگویی نگه داشته شود (حکمت/۲۵۲).

۴. نتیجه‌گیری

مدیریت و هدایت خلیقات اجتماعی از مهمترین کارکردها و وظایف حکمرانی در شیوه زمامداری امام علی(ع) است. تحلیل روابط خلیقات اجتماعی نشان می‌دهد که بی‌توجهی و عدم اهتمام به خلیقات اجتماعی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ویرانگری دارد که زوال شخصیت و هویت فردی و جمعی افراد و جامعه نتیجه محتوم آن است. فقدان خلیقات اجتماعی مطلوب در هر جامعه‌ای به فقر و انحطاط منتهی می‌شود. فساد و انحطاط در نهج‌البلاغه، علت‌های فردی و اجتماعی فراوانی دارد. از جمله علل فردی آن می‌توان به تبلی و سستی، تجمل و اشرافیت، بدگمانی و سوء ظن، قانون‌گریزی و ترک دنیا و گوشه‌نشینی و دورویی و تملق، اشاره کرد. همچنین از علت‌های اجتماعی آن می‌توان به بی‌عدالتی، توزیع ناعادلانه ثروت جامعه، انحصار سرمایه در دست قشر خاص، مال‌اندوزی حاکمان، مالیات‌های سنگین، بهره‌بردن درست از منابع ثروت اشاره نمود. تملق و چاپلوسی آثار شوم فراوانی در حوزه فردی و اجتماعی از خود بر جای می‌گذارد. از جمله پیامدهای آن در نهج‌البلاغه؛ از بین رفتن کرامت انسانی، آسیب‌دیدن دین، ناامیدی و یاس، وابستگی اقتصادی، بی‌اعتمادی جامعه به فقیر، از بین رفتن استعدادهای شخص فقیر و... است. بی‌تردید در جامعه‌ای که خلیقات اجتماعی منفی در آنها استیلا داشته باشد علاوه بر ایجاد بی‌اعتمادی، امکان همکاری و مشارکت و سایر تعاملات و کنش‌های متقابل اجتماعی از بین می‌رود و فقدان مشارکت و اعتماد متقابل اجتماعی، امکان هرگونه توسعه اجتماعی را از بین می‌برد و دورویی و تملق و تن‌آسایی و خشونت جایگزین آن در جامعه می‌گردد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۷). «استبداد شرقی: بررسی ایران عهد قاجار». مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران. ترجمه: سهیلا ترابی فارسانی. تهران: پردیس دانش و شیرازه. صص ۱-۵۵.
- ابونیا عمران. فرحناز. (۱۳۸۸). اخلاق و سرشت ایرانیان. آمل: ورسه.
- ارجایی. سعید. (۱۳۸۷). نظری و گذری بر زخم‌های فرهنگی ما ایرانیان. تهران: پازینه.
- افلاطون. (۱۳۸۸). جمهور. ترجمه: فواد روحانی. تهران: علمی و فرهنگی. چاپ دوازدهم.
- آندرسون، پری. (۱۳۹۰). تبارهای دولت استبدادی. ترجمه حسن مرتضوی. تهران: ثالث.

مطالعه و تحلیل تاثیر خلیقات اجتماعی ... (علی قنبری برزیان و داود زهرانی) ۲۶۷

- انصاف پور، غلامرضا. (۱۳۶۳). ایران و ایرانی به تحقیق درصد سفرنامه دوران قاجاریه. تهران: زوار.
- ایزدی، علی محمد. (۱۳۸۵). چرا عقب مانده ایم؟. تهران: علم.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید. (۱۳۳۷). شرح نهج البلاغه، چاپ اول. قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن میثم، میثم بن علی. (۱۳۶۲). شرح نهج البلاغه، دفتر نشر کتاب.
- ایسپا (۱۳۹۳). بررسی وضعیت اخلاق اجتماعی در شهر تهران. تهران: ایسپا
- بازرگان، مهدی. (۱۳۵۷). سازگاری ایرانی: فصل الحاقی روح ملت ها. تهران: یاد.
- بودون، ریمون. (۱۳۶۴). منطق اجتماعی: روش تحلیل مسائل اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: جاویدان.
- بون ویتز، پاتریس. (۱۳۹۰). درس هایی از جامعه شناسی پی یر بوردیو. ترجمه جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفر. تهران: آگه.
- بیات، فریبرز؛ مهدوی، محمدصادق؛ ساروخانی، باقر. (۱۳۹۹). بحران اخلاقی و عوامل اجتماعی موثر بر آن (پژوهشی در بین شهروندان تهرانی)، فصلنامه مسایل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۱، ۳۵-۶۱.
- بی من، ویلیام. (۱۳۸۱). زبان، منزلت و قدرت در ایران. ترجمه رضا مقدم کیا. تهران: نی.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴). «نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران» اندیشه ایرانشهر. شماره ۴: ۲۲-۳۴.
- جاکیز، گری و کولند، هارلن. (۱۳۸۷). ابعاد نظریه توسعه اجتماعی، توسعه اجتماعی، جمعی از مترجمان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جمالزاده، محمد علی. (۱۳۴۵). خلیقات ما ایرانیان. تهران: کتابفروشی فروغی.
- جوادی یگانه، محمدرضا. (۱۳۸۹). زشت و زیبای خلیقات ایرانیان از نگاه درویش دروغین: پژوهشنامه (مجمع تشخیص مصلحت) شماره ۵۸، ۴۴-۶۲.
- جوانبخت، مهرداد. (۱۳۷۹). ایرانی از نگاه ایرانی: خلق و خوی ایرانیان از نگاه سیاحان. اصفهان: آموزه.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۳). جامعه شناسی اخلاق (تحلیل وضعیت اخلاق اجتماعی در جامعه ایران). تهران: جامعه شناسان.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی ایران. تهران: فرزانه روز.
- دشتی، محمد. (۱۳۹۲). ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات پیام عدالت.

- رحیمی، محمد؛ فتحی، لیلا؛ افراسیابی، فاطمه؛ اسکندری اندلیبی، رعنا. (۱۳۹۸). بررسی رابطه شبکه های اجتماعی مجازی و گرایش به ناهنجاری های اخلاقی، انتظام اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۲، ۱۳۵-۱۶۰.
- رفعت، محسن. (۱۴۰۰). رفتارشناسی تحلیلی از رهبری اخلاق مدارانه امام علی(ع) در جنگ جمل مبتنی بر آموزه های نهج البلاغه. پژوهش نامه علوی 6852. doi: 10.30465/alavi.2021.6852, 12(23), 109-141.
- زمانی، مهدی. (۱۴۰۱). نقش آکراسیا و/یا ضعف اراده در عدم التزام اخلاقی از منظر امام علی(ع). پژوهش نامه علوی، 12(24), 95-118. doi: 10.30465/alavi.2022.7621
- غفاری فرد، عباسقلی. (۱۳۹۲). تاریخ پژوهی در آسیب شناسی اخلاقی ایرانی ها. تهران: دات. ۴۱۶ صفحه.
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۲). سنجش سرمایه اجتماعی در ایران. تهران: شورای اجتماعی کشور.
- فاضلی، محمد؛ فتاحی، سجاد؛ زنجانی رفیعی، سیده نسترن. (۱۳۹۲). توسعه اجتماعی، شاخص ها و جایگاه ایران در جهان. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره دوم، شماره ۱، ۱۵۹-۱۸۲.
- فرستخواه، مقصود. (۱۳۸۹). درباره نیمرخ رفتار ایرانی (سنخ شناسی مدل ها). مجله جامعه شناسی ایران. دوره یازدهم، شماره اول. بهار ۱۳۸۹. صص ۳-۲۱.
- فلاحی، کیومرث. (۱۳۹۰). رفتارشناسی ایرانیان: درآمدی بر شناخت روحیات، فرهنگ و رفتار مردم ایران. تهران: مهکامه.
- فولر، گراهام. (۱۳۷۳). قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
- فیروزآبادی، سید احمد و حسینی، سید رسول و قاسمی، روح الله. (۱۳۸۹). مطالعه شاخص ها و رتبه ی توسعه اجتماعی در استان های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷، ۷۵-۹۴.
- قاضی مرادی، حسن. (۱۳۷۸). پیرامون خودمداری ایرانیان. تهران: ارمغان. صص ۹۷ تا ۱۰۸.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۰). فره ایزدی و حق الهی پادشاهان. تهران: نی.
- قانع راد، ۱۳۸۸، دوگانگی های فرهنگی تکنولوژی (رویکرد جامعه شناسی فرهنگی در تحلیل تکنولوژی)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، سال دوم، شماره ۴، ۱۰۷.
- قنبری برزین، علی؛ زهرانی، داود. (۱۴۰۰). تبیین جامعه شناختی تاثیر فضای مجازی بر سبک های فراغتی (مورد مطالعه: دانشجویان دختر خوابگاه های دانشگاه اصفهان). پژوهش های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، شماره ۱، (۱۶)، ۱۳۷-۱۷۵.
- کوثری، مسعود. (۱۳۷۹). آسیب شناسی فرهنگی ایران در دوره قاجار. تهران: باز.
- ماکیاولی، نیکولو. (۱۳۸۸). شهریار. ترجمه داریوش آشوری. ویراست سوم. چاپ دوم.

مطالعه و تحلیل تاثیر خلیقات اجتماعی ... (علی قنبری برزبان و داود زهرانی) ۲۶۹

محدثی گیلوئی، حسن. (۱۳۸۶). مطالعه جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در روابط بینا جنسی مورد زوج‌های تهران ۱۳۹۵-۱۳۹۶. پژوهشنامه زنان، سال هشتم، شماره ۳، ۸۷-۱۱۶.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵). پیام امام، شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی، سید عباس. (۱۳۷۶). شرح نهج‌البلاغه، بیروت: دارالمحجة البيضاء و دارالرسول الاکرم.

متسکیو، شارل دو. (۱۳۷۰). روح القوانین. ترجمه علی اکبر مهتدی. تهران: امیرکبیر. چاپ نهم، ویراست دوم.

نهج‌البلاغه.

هگل، گئورک. (۱۳۹۰). عقل در تاریخ. ترجمه حمید عنایت. تهران: شفیعی. چاپ پنجم.

وبر، ماکس. (۱۳۷۴). اقتصاد و جامعه. ترجمه عباس منوچهری و مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده. تهران: مولی.

ویتفولگ، کارل. (۱۳۹۳). استبداد شرقی: مطالعه تطبیقی قدرت تام. ترجمه یوسف نراقی. تهران: فرهنگ جاوید.

Banuazizi, Ali (1977) "Iranian 'National Character': A Critique of Some Western Perspectives" Chapter in Psychological Dimensions of Near Eastern Studies. Edited by L. Carl Brown and Norman Itzkowitz. Princeton, N. J.: The Darwin Press (Princeton Studies on the Near East). Pp. 210-239.

Bar, Shamuël (2004) "Iran: Cultural Values, Self images and Negotiation Behavior" Institute for Policy and Strategy, The Interdisciplinary Center Herzliya.

Kurfurst, Robert (2001) "John Stuart Mill's Asian Parable" Canadian Journal of Political Science, 34 (3): 601-619.

Miklos, Jack C. (1983). The Iranian Revolution and Modernization; Way Stations to Anarchy. NATIONAL DEFENSE UNIV WASHINGTON DC RESEARCH DIRECTORATE

Sciolino, Elaine (2001). Persian Mirrors: The Elusive Face of Iran. The Free Press.

Shakeri, Khosrow (N.D.). The Soviet Union and Iranian Communism. Part 1: "Historical Background, the socio-political, the socio-economic, and the social psyche"

Stiglitz, Joseph (2002), "Participation and Development: Perspectives from the Comprehensive Development Paradigm", Review of Development Economics, 6: 152-182.

Wilberg, Charles, K, & Hoksbergen, Roland (1986), Ethical Values and Economic Theory: Asurvey. Religious Studies Review. 12, 205-214.